



هفت دلاور - جان استرجز - ۱۹۶۰

بچه‌ها؛ ما شرمند هستیم که اینجا زندگی می‌کنیم پدرانمون بزدلن.

برناردو اورلی (چارلز برانسون)؛ دیگه اینو درباره پدراتون نمی‌گید، اوتا ترسو نیستن، فکر می‌کنی من شجاعم چون اسلحه دنبالمه؟ پدران شما خیلی شجاع‌ترن چون مسئولیت دارن برای شما، برادراتون، خواهر و مادراتون این مسئولیت مثل یه سنگ به تنی می‌مونه این قدر خم و راستشون می‌کنه تا آخر تو زمین خاکشون کنه. هیچ‌کس بهشون نمی‌گه این کارو بکنن. می‌کنن چون دوستون دارن و می‌خوانتون، من تا به حال همچین شجاعی رو ندیدم. دودین، توی مزرعه کارکردن مثل قاطر، بدون هیچ تعهدی، حاصلش چیه؟ این شجاعته!

سبز خوانی

چه کسانی زنجیر بسته‌اند بردست وپای این انجیر؟



محمد بلوچ زهی

نابودی سلسله‌وار درختان ارزشمند «انجیر معابد» که ریشه در فرهنگ، تاریخ، جغرافیا و باورهای عامه مردم جنوب دارند پس از بلوچستان اینک به قشم رسیده در هرمزگان؛ و باز درخت کهن‌سال ۶۰۰ - ۷۰۰ ساله دیگری ریشه برگزد از این خاک سینه‌جاک! هیهات! واقعا چه شده است ما را که این‌چنین نسبت به تاراج تاریخ ارزشمند و نیز زوال میراث غنی معنوی خویش غفلت می‌ورزیم چنان‌که حتی در فقدان این حیات نبات گران‌بهای درختان تاریخی و معنوی نه تنها اشک نمی‌ریزیم بلکه نیز به کوشش سایر ملل در صیانت و حفاظت از ارزش‌ها و داشته‌های غنی‌شان رشک نمی‌ورزیم!

چه شده است ما را واقعا! به کدامین سو می‌رویم چنین شتابان که بر رنج و زوال هر گنج خویش بی‌تفاوت شده‌ایم و حتی خم به ابرو نمی‌آوریم و دم فروا دریغا. متأسفانه این گونه نقصان‌ها و خطاها سهل‌انگاری‌ها و اهمال‌کاری‌ها چنان بسیار گشته و فراوان در این سرزمین که نه تنها برای متولیان و بانیان یا همان حافظان میراث و ارزش‌های مادی و معنوی ملت دیگر عادی شده بلکه برای ما مردم نیز اهمیت خویش را از دست داده و حال دیگر بی‌تفاوت شده‌ایم و هیچ توجه نمی‌داریم که چه بر سر میراث فرهنگی، تاریخی و معنوی ارزشمندمان آورده شده و می‌شود! وای بر ما. اجازه بفرمایید اوج این بی‌تفاوتی مورد بحث و نیز شرح درد چشم‌فروبیستن بر رنج خویش را از نگاه کنایه‌آمیز فرهنگ عامه بلوچان مصداق بیابوریم به موجز و مختصر و نیز ملموس این‌چنین: در ادبیا؛ بنابراین اگر متولیان امر را تکی نمی‌گذرد بابت زوال «مگر مرگ بسیار گردد و فراوان تا اشک ناپاک شود و زاری سخت و ناآسان!» اکنون حکایت ما نیز همین است؛ چنان بلا و مصیبت و درد و رنج از زمین و آسمان بر سرمان می‌بارد که دیگر این نقصان‌ها و زوال‌ها به گریه نمی‌اندازد ما را. به قول زاهدان سبحان‌الله.
بله؛ درست است که خطاها و خطاها و اهمال‌کاری‌ها و بی‌دبیری‌ها نسبت به میراث بارززش ما زخم‌خورده ما چنان بسیار شده که دیگر این همه خسارت و ویرانی عادی شده پیش پای چشم‌هایمان اما باور فرامید با این رویه داریم سخت تیشه می‌زنیم به ریشه‌های پناه‌گرفته در خاک پاک خویش و نیز در این وقت چشم‌فروبیستن و دم فرونیاردن بر زوال ارجمندترین داشته‌های فرهنگی، تاریخی و معنوی روا نیست به خدا؛ به همان خدایی که در باورهای عامه محلی مردمان جنوب این درختِ انجیر معابد را درمانگر و محترم و مقید یگانه آفرینش پدید آورده و دمی آسودن زیر سایه سرگش و به‌مراقبه‌نشستن بر بارگه بزگش را روح‌بخش و آرامش‌آفرین و معجزه‌گون می‌خوانند.

از قدیم‌الایام بلوچان اعتقاد داشته و دارند که درخت انجیر معابد همواره گوش شنوا و سنگ صبور همه درد‌دال‌ها و شکوایه‌ها و گله و زاری‌هایشان بوده و مرهمی نیز بر رنج‌ها و مصیبت‌های ایشان؛ بنابراین اگر متولیان امر را تکی نمی‌گذرد بابت زوال سلسله‌وار انجیرهای معابد رهاشده به حال خود، لاقابل ما نسبت به سنگ صبوران خویش بی‌تفاوت نباشیم.

یادمان باشد همین بی‌تفاوتی‌ها زمینه را برای نابودی بیشتر میراث کهنمان به دست فرصت‌طلبان و سوءاستفاده‌گران فراهم خواهد آورد و راه را بر آنان هموار. مگر یادمان رفته که سال‌ها پیش همین غفلت‌ها و سهل‌انگاری‌ها درخت کهن‌سال انجیر معابد نیک‌شهر را چگونه خشکانید و زمینه را برای ویرانی انجیر معابد‌های دیگر در چابهار و قصرقند و سرباز فراهم کرد؟

اکنون باید برای سایر درخت‌های انجیر معابد نه تنها در بلوچستان بلکه در اقضا نقاط ایران که بدون مراقبت و صیانت و حفاظ و حفاظت به حال خود رها شده‌اند کاری کرد. درختان کهن‌سالی که همواره چشم طمع زمین‌خواران به آنها دوخته شده و هر آن ممکن است آنچه امروز بر سر انجیر معابد قسم آورده شد فردا روز نیز دوباره بر سر انجیر معابد‌های دیگر در چابهار، در قصرقند، در سرباز، در قشم و کیش، در بوشهر یا در هر جای دیگر که این درختان تاریخی و معنوی ریشه دوانده‌اند، آورده شود. زنهار. یادمان بماند که همواره سودجویان و سوءاستفاده‌گران و زمین‌خواران از غفلت ما بسیار بهره برده و می‌برند و صدالیته نیز از بی‌تفاوتی عجیب متولیان و همین رفتارها بوده و هستند که چنین زنجیر شده‌اند بر دست و پای این انجیر!ا! صد حیف.

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۳۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۶۵۰۰۷-۰۹۱۲۳۵۸۳۲۹۳ • چاپ: مصمیم • تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵

www.sharghdaily.ir

سه‌شنبه ۲ خرداد ۱۴۰۲ • ۳ ذی‌القعدة ۱۴۴۴ • ۲۳ می ۲۰۲۳ • سال بیستم • شماره ۴۵۶۰ • ۱۲ صفحه اذان ظهر تهران ۱۲:۰۱ • اذان مغرب ۱۹:۲۹ • اذان صبح فردا ۳:۱۲ • طلوع آفتاب ۴:۵۴

قصه ناکارآمدی و وفور فرصت‌طلبی



عتاب و خطاب آقای رئیسی در سیستان‌وبلوچستان به طالبان افغانستان، برای قنابه ایران، مورد انتقاد برخی افراد قرار گرفت. آنها می‌گفتند رئیس‌جمهور مشاوران خوبی ندارد که صاحب تجربه و دانش باشند و بتوانند مشورت خوبی برای اتخاذ مواضع بدهند. از آن طرف آقای وحیدی، وزیر‌کشور هم دلگیر بود از اینکه هنوز نتوانسته‌اند به تغییر مدیران میانی بر جای‌مانده از دولت پیشین سرعت ببخشند. ظریفی می‌رسید آیا از دوستان فارغ‌التحصیل دانشگاه امام صادق، سر کسی بی‌کلاه مانده که می‌خواهید مشغولش کنید؟!

من نمی‌دانم، واقعا با این جابه‌جایی‌های گسترده، جایی مانده که مدیری عوض نشده باشد؛ اما مسئله این است که آیا حاصل همین مقدار تغییرات، توانسته آنها را به نقطه مطلوب نزدیک کند یا در مسیر درستی پیش برود. واقعیت آن است که در چهار دهه گذشته، اصولگرایان، هر موقع حاکمیت یافتند، از ناحیه منابع انسانی مدیریتی، خسارتی بر کشور وارد کردند. سهم بزرگی از ناکامی‌ها و دورشدن از اهداف و آرمان‌های انقلاب را باید معلول همین فقدان نیروی کارآمد در آن جبهه دانست. لابد کسی تا حالا میزان خسارت کشور از این زاویه را محاسبه نکرده است.

البته مهم‌تر از فقدان نیروی کارآمد، حضور افراد مدعی است که به‌ظاهر خود را با معیارهای آنها تطبیق داده‌اند؛ اما توانمندی کافی ندارند و صرفا به خاطر ظاهرسازی و تعهدنمایی، توانسته‌اند مناصب را اشغال کنند. ایمان‌سنج و تقواسنج که نداریم. فرهنگ ایرانی هم جای مانور برای افراد ظاهرساز، فراوان دارد. آنها به‌راحتی در اجتماع زندگی می‌کنند و کنار خانواده‌شان هستند؛ درحالی‌که همه می‌دانند آنچه از خود بروز می‌دهند، با خود واقعی‌شان فرسنگ‌ها فاصله دارد؛ اما جامعه ایرانی، قرن‌هاست پذیرفته که برای کسب قدرت و موقعیت، چنین فیلم بازی‌کردن‌هایی برای امرار معاش ضرری ندارد؛ بلکه ممدوح است. کسی که برای کسب موقعیت اداری ممتاز، نوع خاصی حرف می‌زند، ریش می‌گذارد، دکمه پیراهنش را تا ته می‌بندد، در مراسم‌ها حضور برجسته و نمایشی دارد؛ درحالی‌که اطرافیان نزدیکش درک می‌کنند و مانعی نمی‌بینند که فرد این ظاهرسازی را

هنر خوانی

پولدارهای جدید و آثار هنری مجازی

بلومبرگ گزارشی تحلیلی براساس داده‌هایی که به‌تازگی از سوی چند سایت و خبرنگار مطرح اقتصاد هنر ارائه شده منتشر کرده است. گزارشی که به تحولات فروش ان‌اف‌تی‌ها، تغییر رویکردها به خاطر بحران‌های بانکی چند وقت اخیر آمریکا و همین‌طور جایگاه ویژه چین می‌پردازد. بر اساس این داده‌ها، فروش ان‌اف‌تی‌ها - تاکنون - به‌میزان ۲۰ میلیون دلار در سال ۲۰۲۱، به ۲.۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۱ افزایش یافت. این دنیای جدید مجازی هنر فرصتی است برای ثروتمندان و تقاضاهای متفاوتشان. هرچند نمی‌توان هنر را با این موضوع کالاهای مصرفی غیرضروری و لوکسی که معمولا خریداری می‌کنند مقایسه کرد اما به نظر می‌رسد با آثار ارائه‌شده در دنیای ان‌اف‌تی‌ها نیز مانند عطر، ساعت و... لوکس دیگر رفتار می‌شود. این‌بار تفاوت این گروه از افراد در خرید مجموعه‌های هنری نه در علاقه بلکه به عنوان امکانی برای سرمایه‌گذاری مشهود است. نمونه این علاقه‌مندی را می‌توان در خرید ۱۹۵ میلیون دلاری فیلمی از «اندی وارهول» مشاهده کرد. البته پیش از این در سال ۲۰۱۷ «سالماتوور موندی» اثر لئوناردو داوینچی به قیمت ۴۵۰ میلیون دلار در نیویورک به فروش رفته بود.

در گزارش بلومبرگ به اطلاعاتی از «کلر مک اندرو» اقتصاددان حوزه هنری نیز اشاره شده است. فروش جهانی آثار هنری در سال ۲۰۲۲ به ۶۷.۸ میلیارد دلار افزایش یافت. این عدد نسبت به سال ۲۰۲۱ در حدود سه درصد و نسبت به سال ۲۰۲۰ که همراه با همه‌گیری کرونا بود، ۳۰ درصد



♦ به مناسبت گرامیداشت روز دختر جشن بزرگ ازدواج دانشجویی در سالن جابر دانشکده شیمی دانشگاه صنعتی شریف برگزار شد. عکس: زهرا سادات راد، باشگاه خبرنگاران جوان

زنان جهان

زنانی که رنگ می‌فروشند

در گوشه دیگر جهان، در آمریکای مرکزی، بازارهای محلی قرار است فرصتی برای اتانمندسازی زنان باشند. آمریکای مرکزی به‌صورت یک باریکه خاکی در ادامه جنوبی آمریکای شمالی است. در این خط باریک، هفت کشور مستقل به نام‌های بلیز، کاستاریکا، السالوادور، گواتمالا، هندوراس، نیکاراگوئه و پاناما وجود دارند که زبان رسمی شش کشور اسپانیایی است نه انگلیسی. در گواتمالا، کشوری که با کوه و دره‌ها احاطه شده است، می‌توان تنوع طبقاتی را کاملاً مشاهده کرد؛ از آخرین مدل ماشین‌های بی‌امو تا دست‌فروشان‌کی که در خرابه حضور دارند! اما بازارهای محلی فرصتی است تا اقتصاد کشور را تحت تأثیر قرار دهد و در این میان زنان سهم زیادی دارند؛ هرچند زنان گواتمالایی تحت خشونت بسیاری هستند و حتی بیشترین انتظار از آنها حضور در خانه و اِی‌فای نقش مادری و خانه‌داری است. در این بین زنان این کشور سعی می‌کنند برای بهبود شرایط خود و مقابله با خشونت رایج در این کشور، گام‌هایی بردارند. در گوشه و کنار گواتمالا، اغلب بازارهایی وجود دارند که لباس‌های بافته‌شده با رنگ‌های روشن و زیبا در آنها به فروش می‌رسد. این لباس‌ها توسط گروه‌های مختلف مایاهای بومی پوشیده و عرضه می‌شود. بیشتر گردشگران برای خرید بخشی از این خاطره حتماً سراغ بازارهای محلی می‌روند.

ازجمله مشهورترین بازارهای محلی این کشور، بازار «چی چی کاستنگانو» است که در زبان محلی «چی چی» نامیده می‌شود و در شهری با همین نام قرار دارد. شهری که فقط در روز آخر هفته از خواب برمی‌خیزد و آماده میزبانی می‌شود و هر خرده‌ریزی که برای گردشگران جذابیت دارد، می‌توان در آن پیدا کرد؛ از خوردنی تا پوشیدنی. مردم از دور و نزدیک با حضور دو تا چهارساعته در همان اتوبوس‌های مرغی به این مکان می‌آیند و محصولاتشان را ارائه می‌دهند. این اتوبوس‌های مرغی برای سفر در داخل این کشور است. هرچند این اتوبوس‌ها به گردشگران پیشنهاد نمی‌شود اما به خاطر جاده‌های خراب و رانندگی بی‌احتیاط، یکی از امکان‌های استفاده است. این اتوبوس‌ها همان‌هایی هستند که بسیاری از روستاییان برای توسعه کسب‌وکار خود همراه با دام‌ها و پرندگان‌شان سوار آنها می‌شوند، اما نقل مکان با این اتوبوس‌ها به دلیل توقف‌های بیش از حد، شلوغی بسیار و احتمال وجود سرعت، صبر زیادی می‌طلبد. در بازار «چی چی» می‌توان حتی با چند پنی هم چیزی برای خرید پیدا کرد که دوست‌داشتنی باشد.

گردشگران در روز یکشنبه وقتی وارد شهر می‌شوند، در هر گوشه شهر غرق‌ه‌ها در مشاهده می‌کنند. اگر کمی زودتر برسند، می‌توانند ببینند که مردان مشغول بستن داربست و گذاشتن پلاستیک محافظ هستند و زنان با ظرافت لباس‌ها را بیاز می‌کنند و این لباس‌های زیبا را با طرح‌های درخشان به دیوار می‌آویزند. دست‌آویزها و گوشواره‌ها به دقت در اطراف میزهای چوبی کوچک چیده شده‌اند. زنان سعی می‌کنند تمرین کنند تا بتوانند با گردشگران صحبت کنند. در ورودی شهر، دختر کوچکی تابلوی خوشامدگویی به دست دارد، اما تعداد بچه‌هایی که سعی می‌کنند وسایل خود را بفروشند زیاد است. آنها «نه» را نمی‌پذیرند و مصرانه گردشگران را برای خرید تشویق و دنبال می‌کنند. معمولاً استمرار آنها نتیجه می‌دهد. بازار چی‌چی یک کاروانلو بزرگ برای فروش است؛ یک مکان زیبا، پر از صنایع دستی برآمده از فرهنگ سنتی مایاها. اما این همه آن چیزی نیست که چی‌چی دارد؛ آن گوشه شهر یک قبرستان جالب با مجموعه‌ای از سنگ قبرهای رنگارنگ و قبرهای ترین‌شده وجود دارد. این قبرها نشانه‌هایی از دست‌رنج زنان را به یاد می‌آورد. زنانی که سعی می‌کنند در بین نیروی کار این کشور حضور فعال داشته باشند. البته ۵۲ درصد از نیروی کاری این کشور مشغول به کشاورزی هستند و محصولات عمده‌ای از قبیل ذرت، لوبیا و قهوه نیز در صورت ازدیاد تولید برای صادرات در نظر گرفته می‌شوند. البته اقتصاد کشور گواتمالا وابسته به پارچه و مصالح ساختمانی بوده و همچنین این کشور منابع طبیعی زیادی در زمینه نیکل و الوار و همین‌طور میگو دارد. تورم آن بین هشت تا ۹ درصد است و این کشور ۱۸ میلیونی بیشتر با کشورهای آلمان و ژاپن از نظر اقتصادی در ارتباط است.



نسبت به سال قبل تقریباً نصف شد، اگرچه فروش‌های کلکسیونی همچنان در حال گسترش است. برخی از افراد که عموماً جوان نیز هستند، همچنان در حال خرید آثار هنری هستند. گزارش جداگانه‌ای از مک اندرو نشان داد که عموم این خریداران، افرادی ثروتمند، با بیش از یک میلیون دلار دارایی بدون احتساب املاک و مشاغل خصوصی هستند که حداقل ۱۰ هزار دلار سالانه در این زمینه سرمایه‌گذاری می‌کنند.

به گزارش فردای اقتصاد در بخش دیگری از این مطلب این سؤال پرسیده شده که آیا آشفته‌گی اخیر بانکی در آمریکا تأثیری بر بازار هنر خواهد داشت؟ به طور معمول در زمان‌های پردرستر، هنر را می‌توان به‌عنوان یک ذخیره ملموس ارزش در نظر گرفت اما نوسانات بازار سهام و اخراج کارکنان در بخش فناوری، می‌تواند به میزان تقاضای این حوزه آسیب برساند.

بحران‌های بیرونی نیز می‌توانند فروشندگان آثار ارزشمند را از عرضه آنها به بازار باز دارند که عامل مهم دیگری در تعیین قدرت فروش آثار هنری است.

در هر صورت، با افول بازار در ایالات متحده، چین اکنون کلید تغییر هنر و تجمل را در دست دارد. به گزارش آرت اکونومیز یکی از عوامل کلیدی در پشت سر گذشتن بحران ۲۰۰۸ و بهبودی شرایط، بازار پربروق چین و افزایش فروش در این کشور بوده است. در حال حاضر تقاضای قابل توجهی برای هنر در هنگ‌کنگ دیده می‌شود که می‌تواند به رونق این بازار کمک کند.